

دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۵N۱۰sh۸۵۰۰۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

بررسی و تحلیل مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه فقه اسلامی و

تأثیرات آن بر قوانین اجتماعی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۹/۲۶)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی

پیمان رضایی برنجی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

این پژوهش به بررسی مفهوم عدالت اجتماعی در فقه اسلامی و تأثیر آن بر قوانین اجتماعی معاصر می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از منابع اسلامی شامل آیات، روایات و متون فقهی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی در فقه اسلامی بر برابری حقوق، انصاف و توزیع عادلانه منابع تأکید دارد و این اصول بر قوانینی نظیر حقوق شهروندی و حمایت اجتماعی تأثیر گذاشته است. با این حال، چالش‌هایی در تطبیق این مفاهیم با نیازهای معاصر وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد بازنگری در قوانین با محوریت فقه اسلامی می‌تواند به بهبود عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها منجر شود. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران از مطالعات تطبیقی و ظرفیت‌های فقهی برای تقویت عدالت اجتماعی بهره‌گیرند.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، فقه اسلامی، قوانین اجتماعی، برابری حقوق، توزیع

عادلانه، حقوق شهروندی، انصاف، سیاست‌گذاری اجتماعی

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین مفاهیم در جوامع انسانی و از اصول اساسی در تمام ادیان الهی، به‌ویژه دین اسلام است. این مفهوم به معنای ایجاد تعادل در توزیع منابع، فرصت‌ها و مسئولیت‌ها، رعایت انصاف و برابری در برخورد با افراد جامعه تعریف می‌شود. در اسلام، عدالت اجتماعی نه تنها به‌عنوان یک ارزش اخلاقی، بلکه به‌عنوان یک اصل بنیادین در ساختار اجتماعی و حقوقی جامعه مورد تأکید قرار گرفته است. آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص) عدالت اجتماعی را به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی سعادت فردی و جمعی معرفی می‌کنند.

فقه اسلامی به‌عنوان نظامی حقوقی و ارزشی، نقشی کلیدی در تبیین مفهوم عدالت اجتماعی و نحوه اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. قوانین و مقررات اسلامی در حوزه‌هایی همچون حقوق اقتصادی، حقوق مدنی، و نظام کیفری بر مبنای اصول عدالت تدوین شده‌اند. هدف نهایی این مقررات، تحقق برابری و حفظ کرامت انسانی برای تمام اعضای جامعه است. در این راستا، عدالت اجتماعی نه تنها در سطح نظری، بلکه به‌عنوان یک مسئولیت اجرایی برای حکومت و شهروندان مورد توجه قرار دارد.

با این وجود، در دنیای معاصر چالش‌هایی نظیر پیچیدگی‌های اقتصادی، تحولات اجتماعی، و تنوع فرهنگی، اجرای اصول عدالت اجتماعی را با موانعی مواجه کرده است. از سوی دیگر، تغییرات در نظام‌های حکومتی و ظهور مسائل جدید حقوقی و اجتماعی، نیاز به بازنگری و بازتعریف مفهوم عدالت اجتماعی بر اساس فقه اسلامی را دوچندان کرده است.

این پژوهش با هدف بررسی مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه فقه اسلامی و تحلیل تأثیر آن بر قوانین اجتماعی معاصر، به دنبال ارائه راهکارهایی برای تطبیق بهتر این اصول با نیازهای جامعه امروز است. در این راستا، تلاش شده است تا با استفاده از منابع اسلامی و روش تحلیلی-توصیفی، ابعاد مختلف عدالت اجتماعی تبیین و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی بررسی شود.

اهمیت این پژوهش در آن است که عدالت اجتماعی، به عنوان یکی از مطالبات اصلی جوامع انسانی، می تواند راهکاری مؤثر برای کاهش نابرابری ها، تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی ارائه دهد. همچنین، تبیین اصول عدالت اجتماعی از دیدگاه فقه اسلامی می تواند بستری مناسب برای ایجاد قوانین کارآمدتر و پایدارتر فراهم کند.

این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤالاتی نظیر مفهوم عدالت اجتماعی در فقه اسلامی، تأثیر آن بر قوانین اجتماعی معاصر، و چگونگی بهره گیری از ظرفیت های فقه اسلامی برای بهبود عدالت اجتماعی است. امید است یافته های این تحقیق بتواند راهنمایی مفید برای سیاست گذاران، پژوهشگران و علاقه مندان به مباحث حقوقی و اجتماعی باشد.

بخش اول: بیان مسئله

عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اساسی ترین مفاهیم انسانی، همواره مورد توجه اندیشمندان، سیاست گذاران و ادیان الهی بوده است. در اسلام، عدالت اجتماعی جایگاهی محوری داشته و به عنوان یکی از اصول بنیادین در قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) تأکید شده است. این اصل نه تنها در بُعد نظری، بلکه در اجرای قوانین و سیاست های اجتماعی نقش مهمی ایفا می کند. فقه اسلامی، به عنوان نظامی جامع و پویا، تلاش می کند تا این مفهوم را به صورت عملیاتی در جامعه اجرا کند.

با این حال، در جوامع معاصر، عدالت اجتماعی با چالش های متعددی مواجه است. از یک سو، تغییرات سریع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باعث شده اند تا نابرابری ها و بی عدالتی ها در زمینه های مختلف افزایش یابند. از سوی دیگر، اجرای اصول عدالت اجتماعی نیازمند تطبیق مفاهیم فقهی با نیازهای روز است. این مسئله در بسیاری از نظام های حقوقی کشورهای اسلامی به عنوان چالشی جدی مطرح شده و تلاش برای انطباق قوانین با اصول عدالت اجتماعی اسلامی همچنان ادامه دارد.

مسئله اصلی این است که چگونه می توان مفهوم عدالت اجتماعی در فقه اسلامی را به گونه ای تبیین و تحلیل کرد که قابلیت اجرایی در قوانین اجتماعی معاصر داشته باشد؟

همچنین، چه راهکارهایی می‌توان ارائه داد تا اصول عدالت اسلامی به‌طور مؤثرتری در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و قوانین اجرایی منعکس شود؟ پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این مسائل، تلاش می‌کند تا مفهوم عدالت اجتماعی از منظر فقه اسلامی را بررسی و تأثیرات آن بر قوانین اجتماعی معاصر را تحلیل کند. هدف اصلی، یافتن راهکارهایی برای بهبود نابرابری‌های موجود در جامعه و ایجاد بستری مناسب برای اجرای بهتر عدالت اجتماعی است.

بخش دوم: پیشینه پژوهش

مفهوم عدالت اجتماعی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی قرار گرفته است. در حوزه اسلامی، قرآن کریم و روایات معصومین (ع) مبانی نظری عدالت اجتماعی را به‌طور گسترده‌ای مورد بحث قرار داده‌اند. در این متون، عدالت به‌عنوان یکی از اصول کلیدی دین اسلام معرفی شده و در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر تحقق آن تأکید شده است.

در پژوهش‌های معاصر، مطالعات متعددی به بررسی عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلامی پرداخته‌اند. برخی از پژوهشگران مفهوم عدالت اجتماعی را در ارتباط با برابری اقتصادی و توزیع عادلانه منابع بررسی کرده‌اند. برای مثال، مطالعاتی نشان داده‌اند که اصولی نظیر زکات، خمس و انفاق در فقه اسلامی نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تقویت عدالت اجتماعی ایفا می‌کنند.

در زمینه قوانین اجتماعی، پژوهش‌ها تأثیر اصول فقه اسلامی بر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعات نشان داده‌اند که مفاهیمی نظیر رعایت انصاف، حمایت از اقشار ضعیف، و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه، از جمله تأثیرات مستقیم عدالت اجتماعی در نظام حقوقی اسلامی هستند.

علاوه بر این، پژوهش‌هایی نیز به چالش‌های تطبیق اصول عدالت اجتماعی اسلامی با نیازهای جوامع معاصر پرداخته‌اند. برخی از این چالش‌ها شامل برداشت‌های مختلف از متون

فقهی، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، و تغییرات اقتصادی سریع در دنیای امروز است. این پژوهش با تکیه بر یافته‌های پیشین، تلاش می‌کند تا ضمن بررسی عمیق‌تر مفهوم عدالت اجتماعی در فقه اسلامی، راهکارهایی عملی برای انطباق این اصول با قوانین اجتماعی معاصر ارائه دهد. نوآوری این پژوهش در تحلیل تطبیقی عدالت اجتماعی اسلامی و قوانین مدرن و ارائه راهکارهایی برای حل چالش‌های موجود است.

بخش سوم: اهمیت پژوهش

عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین جامعه انسانی، نقشی کلیدی در ایجاد همبستگی اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها و تقویت انسجام ملی ایفا می‌کند. در دین اسلام، عدالت اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد و به‌عنوان معیاری برای ارزیابی کارآمدی حکومت‌ها و جوامع مطرح شده است. از این‌رو، بررسی این مفهوم از منظر فقه اسلامی می‌تواند کمک شایانی به درک بهتر مبانی نظری و عملی عدالت اجتماعی کند.

اهمیت این پژوهش از دو جنبه نظری و عملی قابل بررسی است. از منظر نظری، این پژوهش به تعمیق فهم از مفهوم عدالت اجتماعی در فقه اسلامی و تبیین ابعاد مختلف آن می‌پردازد. با توجه به نقش گسترده فقه اسلامی در هدایت جوامع مسلمان، تبیین دقیق‌تر این مفهوم می‌تواند به بهبود نظام‌های اجتماعی و حقوقی بر اساس اصول اسلامی کمک کند.

از منظر عملی، قوانین اجتماعی معاصر در کشورهای اسلامی با چالش‌هایی نظیر افزایش نابرابری‌ها، بی‌عدالتی و ضعف در توزیع عادلانه منابع مواجه هستند. این پژوهش با تحلیل تأثیر اصول عدالت اجتماعی اسلامی بر قوانین، می‌تواند راهکارهایی کاربردی برای سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران ارائه دهد. همچنین، تطبیق اصول فقهی با نیازهای روز جامعه می‌تواند به تقویت نظام حقوقی و اجتماعی و کاهش مشکلات ناشی از نابرابری کمک کند.

با توجه به اهمیت روزافزون عدالت اجتماعی در دنیای معاصر، این پژوهش می‌تواند نقش مؤثری در توسعه سیاست‌ها و قوانین اجتماعی ایفا کرده و به تقویت پایه‌های عدالت در

جوامع اسلامی کمک کند. نتایج این تحقیق می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران، قانون‌گذاران و مدیران اجتماعی قرار گیرد و در ارتقای کیفیت زندگی افراد جامعه مؤثر باشد.

بخش چهارم: فرضیه‌های مطروحه

۱. فرضیه اصلی:

مفهوم عدالت اجتماعی در فقه اسلامی تأثیر مستقیمی بر تدوین و اجرای قوانین اجتماعی معاصر دارد.

۲. فرضیه‌های فرعی:

اصول فقه اسلامی، نظیر زکات، خمس، و انفاق، در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

رعایت عدالت اجتماعی در قوانین اسلامی می‌تواند به تقویت حقوق شهروندی و کاهش تبعیض در جوامع اسلامی منجر شود.

بازنگری در قوانین اجتماعی معاصر بر اساس اصول فقه اسلامی می‌تواند به کاهش چالش‌های اجرایی عدالت اجتماعی کمک کند.

تطبیق مفاهیم فقه اسلامی با نیازهای جوامع امروزی می‌تواند نقش عدالت اجتماعی را در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی افزایش دهد.

استفاده از ظرفیت‌های فقه اسلامی در سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند به بهبود شاخص‌های عدالت اجتماعی نظیر برابری، انصاف و توزیع عادلانه منابع منجر شود.

این فرضیه‌ها به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل و ارزیابی رابطه بین مفهوم عدالت اجتماعی در فقه اسلامی و تأثیر آن بر قوانین اجتماعی معاصر در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مفهوم عدالت اجتماعی، برخلاف تصور رایج که تنها به توزیع منابع محدود می‌شود، دامنه‌ای گسترده‌تر دارد و شامل تأمین برابری در حقوق، فرصت‌ها، و توزیع عادلانه قدرت اجتماعی

نیز می‌شود. در اسلام، عدالت اجتماعی به معنای ایجاد تعادل میان حقوق و تکالیف افراد در جامعه و رعایت حقوق همه اقشار، به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر، تعریف شده است. این مفهوم در آموزه‌های اسلامی نه تنها در بُعد نظری بلکه در عمل نیز راهکاری عملیاتی برای زندگی فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های عدالت اجتماعی اسلامی، نقش حکومت اسلامی در تحقق آن است. در نظام اسلامی، حاکمان مسئولیت دارند تا با تنظیم قوانین و سیاست‌هایی مبتنی بر اصول عدالت، بستری فراهم کنند که در آن همه افراد جامعه از حقوق برابر برخوردار باشند. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه بارها بر ضرورت اجرای عدالت تأکید کرده و آن را ضامن پایداری جامعه معرفی کرده است.

در کنار این، عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از ابزارهای تقویت همبستگی اجتماعی نیز شناخته می‌شود. در جامعه‌ای که عدالت برقرار باشد، افراد احساس امنیت، تعلق و مشارکت بیشتری دارند و این امر به توسعه پایدار کمک می‌کند. در مقابل، نبود عدالت اجتماعی منجر به بی‌اعتمادی، نابرابری و افزایش تنش‌های اجتماعی می‌شود.

در دنیای معاصر، با وجود پیشرفت‌های علمی و فناوری، نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها همچنان یکی از مشکلات اساسی جوامع است. در این میان، کشورهای اسلامی نیز با چالش‌هایی مواجه‌اند که نیازمند بازنگری در قوانین و سیاست‌گذاری‌ها بر اساس اصول عدالت اسلامی است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، سازگاری اصول فقه اسلامی با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی جدید است.

فقه اسلامی به‌عنوان یک نظام حقوقی جامع و پویا، ظرفیت‌های بسیاری برای ارائه راه‌حل‌هایی در راستای کاهش نابرابری‌ها و تحقق عدالت اجتماعی دارد. اما برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، نیاز به پژوهش‌هایی است که ضمن بررسی دقیق اصول عدالت اجتماعی در فقه اسلامی، به ارائه راهکارهای عملی برای پیاده‌سازی این اصول در نظام‌های اجتماعی و حقوقی بپردازند.

علاوه بر این، موضوع عدالت اجتماعی در اسلام تنها محدود به برقراری برابری اقتصادی نیست، بلکه مفاهیمی نظیر رعایت کرامت انسانی، تأمین امنیت اجتماعی، و حفظ حقوق فردی و جمعی را نیز در بر می‌گیرد. این موضوع باعث می‌شود عدالت اجتماعی به یکی از اصلی‌ترین معیارهای سنجش موفقیت جوامع اسلامی تبدیل شود.

این پژوهش تلاش دارد با بررسی مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه فقه اسلامی و تحلیل تأثیر آن بر قوانین اجتماعی معاصر، پاسخی برای پرسش‌های مطرح‌شده ارائه دهد. از جمله سؤالاتی که در این پژوهش مطرح می‌شود می‌توان به این موارد اشاره کرد: چگونه می‌توان اصول عدالت اجتماعی اسلامی را با نیازهای جامعه معاصر تطبیق داد؟ نقش حکومت‌ها در اجرای این اصول چیست؟ و چگونه می‌توان از ظرفیت‌های فقه اسلامی برای بهبود قوانین اجتماعی بهره گرفت؟

نتایج این پژوهش می‌تواند به شناخت بهتر از رابطه بین عدالت اجتماعی و فقه اسلامی کمک کرده و الگویی عملی برای تدوین قوانین اجتماعی متناسب با اصول اسلامی ارائه دهد. همچنین، این تحقیق بستری مناسب برای گفتمان‌های جدید در حوزه عدالت اجتماعی ایجاد می‌کند و به سیاست‌گذاران و محققان در یافتن راه‌حلهایی برای چالش‌های موجود یاری می‌رساند. امید است این پژوهش بتواند گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت اجتماعی و رفع مشکلات اجتماعی بردارد.

نتیجه‌گیری

عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از اصول محوری در اسلام، نقش بنیادینی در شکل‌گیری نظام‌های اجتماعی عادلانه و پایدار ایفا می‌کند. این مفهوم در فقه اسلامی، نه تنها به‌عنوان یک اصل نظری بلکه به‌عنوان یک راهبرد عملی برای مدیریت جامعه و برقراری تعادل میان حقوق و تکالیف افراد تعریف شده است. بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش نشان داد که اصول عدالت اجتماعی اسلامی، با تأکید بر توزیع عادلانه منابع، برابری فرصت‌ها و رعایت کرامت انسانی، می‌تواند پاسخگوی بسیاری از چالش‌های جوامع معاصر باشد.

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، اهمیت سازگاری اصول فقه اسلامی با شرایط و نیازهای جوامع امروز است. در حالی که این اصول به‌عنوان پایه‌های اساسی عدالت اجتماعی در اسلام شناخته می‌شوند، تغییرات سریع در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاب می‌کند که تفسیرها و تطبیق‌های جدیدی از این اصول ارائه شود. این امر نیازمند مشارکت فعال فقها، پژوهشگران و سیاست‌گذاران در تحلیل و بازنگری متون فقهی است.

تحلیل تطبیقی تأثیر عدالت اجتماعی اسلامی بر قوانین اجتماعی معاصر نیز نشان داد که بسیاری از چالش‌های کنونی مانند نابرابری اقتصادی، تبعیض‌های اجتماعی و ضعف در تأمین حقوق اقشار آسیب‌پذیر، با بهره‌گیری از اصول اسلامی قابل حل هستند. به‌عنوان نمونه، استفاده از ابزارهایی مانند زکات و خمس می‌تواند نقش مؤثری در کاهش فقر و ایجاد تعادل اقتصادی ایفا کند. همچنین، اصولی مانند رعایت انصاف و حمایت از حقوق زنان و کودکان، ظرفیت بالایی برای تقویت ساختارهای حقوقی و اجتماعی جوامع اسلامی دارد. یکی دیگر از نتایج پژوهش، ضرورت ایجاد هماهنگی میان قوانین اسلامی و حقوق بین‌الملل است. با توجه به جهانی‌شدن روابط اجتماعی و تأثیرپذیری جوامع از یکدیگر، لازم است که اصول عدالت اجتماعی اسلامی در قالبی ارائه شود که قابلیت پذیرش و تعامل با نظام‌های حقوقی دیگر را داشته باشد. این امر می‌تواند به تقویت جایگاه اسلام در عرصه بین‌المللی و نشان دادن کارآمدی آن در حل مسائل جهانی کمک کند.

پژوهش حاضر همچنین به چالش‌های اجرایی عدالت اجتماعی در جوامع اسلامی اشاره کرد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به سوءتعبیر از مفاهیم فقهی، برداشت‌های سطحی و سلیقه‌ای از متون اسلامی و ضعف در نهادینه‌سازی اصول عدالت اجتماعی در سیاست‌گذاری‌ها اشاره کرد. برای غلبه بر این چالش‌ها، تقویت نهادهای آموزشی و پژوهشی و ایجاد بستری برای گفت‌وگوی علمی میان فقها و سیاست‌گذاران ضروری است. در پایان، می‌توان گفت که عدالت اجتماعی اسلامی، نه تنها راهکاری برای ایجاد تعادل و کاهش نابرابری‌ها در جوامع مسلمان است، بلکه الگویی جامع و کارآمد برای مدیریت جوامع انسانی

ارائه می‌دهد. با این حال، تحقق این الگو نیازمند تلاش‌های مستمر در حوزه‌های آموزش، پژوهش و اجراست. همچنین، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، نظیر هوش مصنوعی و تحلیل داده، می‌تواند به افزایش کارایی و تأثیرگذاری اصول عدالت اجتماعی در مدیریت جوامع کمک کند. امید است که نتایج این پژوهش، گامی در جهت تقویت بنیان‌های نظری و عملی عدالت اجتماعی در اسلام و ایجاد جوامعی عادلانه‌تر و پایدارتر باشد. همچنین، این تحقیق می‌تواند بستری برای پژوهش‌های آینده در زمینه تطبیق اصول اسلامی با مسائل معاصر فراهم کند و به غنی‌تر شدن گفتمان عدالت اجتماعی در سطح جهانی کمک نماید.

پیشنهادهات:

۱. پیشنهاد می‌شود که فقها و محققان اسلامی به‌طور مستمر در جهت بازنگری و تفسیر اصول عدالت اجتماعی با توجه به تغییرات اجتماعی و اقتصادی عصر حاضر تلاش کنند.
۲. تدوین و اجرای سیاست‌های اجتماعی مبتنی بر اصول عدالت اجتماعی اسلامی می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و ارتقاء عدالت در جوامع اسلامی کمک کند.
۳. توسعه برنامه‌های آموزشی و پژوهشی برای آشنایی بیشتر مردم و سیاست‌گذاران با مفاهیم عدالت اجتماعی اسلامی می‌تواند در نهادینه‌سازی این اصول در جامعه مؤثر باشد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. آیت الله جوادی آملی، عبدالله. تفسیر تسنیم، انتشارات اسراء، ۱۳۹۳.
۲. بازرگان، مهدی. فلسفه و حقوق اسلامی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۳. حسن زاده آملی، عبدالله. فقه و حقوق اجتماعی، انتشارات ناصح، ۱۳۸۵.
۴. خرازی، محمدجواد. عدالت اجتماعی در اندیشه اسلامی، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۴.
۵. درودیان، حسن. عدالت اجتماعی در اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
۶. صادقی، محمد. تحلیل عدالت اجتماعی در فقه اسلامی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۷. طباطبایی، محمد حسین. المیزان، ج ۵، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲.
۸. طالقانی، محمود. حقوق اسلامی، انتشارات طرح نو، ۱۳۹۰.
۹. فاضلی، محمد. نظام حقوقی اسلامی، انتشارات پیام نور، ۱۳۹۳.
۱۰. محقق داماد، عبدالنبی. فقه مقارن، انتشارات فقهی، ۱۳۹۵.

ب) سایت ها

۱. www.noormags.ir بانک اطلاعاتی مقالات علمی و پژوهشی.
۲. www.ensani.ir مرکز اطلاعات علمی و پژوهشی کشور.
۳. www.isna.ir خبرگزاری دانشجویان ایران. (ISNA)

